

معجزات و پیشگویی های شگفت انگیز کتاب مقدس

قبلاً بطور مختصر اشاره کردیم (ر.ک به مبحث برهان وجود خدا) که جهان هستی و وجود ارزش های اخلاقی، فراتر از شکی معقول ما را به وجود علتی غایی (خدا) متقاعد میسازد. منشا کیهان و بوجود آمدن ماده، زمان، فضا و متعاقباً ستارگان و کهکشانها از «هیچ» در لحظه صفر جهان، سامانند بودن جهان از لحظه وقوع بیگ بنگ به منظور ظهور و امکان وجود حیات، پیچیدگی فوق العاده بیولوژیکی در یک سلول زنده و اطلاعات عظیم نهفته در هر رشته دی ان ای (اطلاعات ژنتیکی در یک موجود تک سلولی مانند آمیب از صدها جلد دایره المعارف قطور نیز بیشتر است) و همچنین وجود ارزش های اخلاق (درک انسانها از عدالت، نیکی و راستی و ...) همگی به وجود علتی غایی اشاره دارند که:

- ۱- خود بدون علت است.
- ۲- دارای قدرت بیکران و بنابراین قادر مطلق است.
- ۳- ورای ماده، انرژی، فضا و زمان و بنابراین ازلی و ابدی است و همه جا حاضر می باشد.
- ۴- دارای دانش بیکران و بنابراین دانای مطلق است.
- ۵- هوشمند، هدفمند و دارای اراده و بنابراین موجودی «شخصی» (personal being) است. (توجه کنید در اینجا کلمه «شخص» از دیدگاه تخصصی آن مد نظر است؛ متضاد آن

موجود «غیر شخصی» impersonal being است مثلاً مطابق ایدئولوژی «همه خدا گرایی» یا pantheism کل جهان هستی «خدا» است و یک موجود غیر شخصی محسوب می‌شود. (۶-مبنای ارزش‌های اخلاقی و نیکویی مطلق است و بنابراین سرچشمه نیکویی و حقیقت است.)

این علت غایی همان خدا است. تمام این نتایج فقط با استفاده از دلیل و برهان متکی بر عقل سلیم، استدلال منطقی، علم فیزیک، اختر شناسی، کیهان شناسی، بیولوژی و مشاهدات علمی معتبر حاصل می‌شوند. همانگونه که ملاحظه می‌کنید صرفاً با بکار گیری عقل و ارزش‌های اخلاقی در ارزیابی جهان هستی، به وجود و همچنین برخی ویژگیهای خدا پی می‌بریم؛ این موضوع کاملاً طبیعی است؛ زیرا که با نگاه کردن و بررسی آثار یک هنرمند می‌توان به ویژگیهای آن هنرمند پی برد؛ اگرچه از نظر ذاتی و جوهری بین هنرمند و اثر هنری بینهایت فاصله وجود داشته باشد.

بنابراین خداوند از طریق خلقتش و همچنین قرار دادن مکانیسم وجدان در ذهن و ضمیر انسان برای تشخیص ارزش‌های اخلاقی، خود را به انسانها آشکار ساخته است؛ به این پدیده اصطلاحاً مکاشفه عام خدا (general revelation) گفته می‌شود. حتی می‌توان یک قدم جلوتر رفت و دقیقاً به این نتیجه دست یافت که جهان هستی بر دو اصل رابطه و عشق استوار است!

همه اجزای این جهان هستی از ذرات بنیادی گرفته تا ستارگان و کهکشانها در رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند به طوری که وجود و نقش آنها در رابطه با یکدیگر معنی پیدا می‌کنند؛ چنانکه گویی عاشقانه (با نیروهای مرموز گرانش و جاذبه، الکترومغناطیس و نیروهای قوی و ضعیف هسته‌ای) به دور مرکزیتی در حال چرخش هستند. در میان موجودات زنده نیز این مسئله صادق است. این موضوع دو ویژگی اساسی و بنیادی دیگر خدا را آشکار می‌کند:

۷- خدا موجود شخصی است که در ذاتش «رابطه» وجود دارد.

۸- خدا محبت است. (بدون رابطه، عشق معنی ندارد و بدون عشق رابطه معنی ندارد!)

خدایی که ویژگیهای آن را در بالا تشریح کردیم دقیقاً با خدایی که کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) آن را معرفی میکند همخوانی و مطابقت دارد.

اما برای شناخت بیشتر خدا و دانستن اهداف و مقاصد وی از خلقت جهان هستی و اینکه اراده او برای ما انسانها چیست و جهان به سمت چه مقصدی به پیش می‌رود؟ خدا روش دومی را برای انتقال اطلاعات به انسانها (بعد از واقعه سقوط انسان) انتخاب کرده است. آن روش، کلام نوشته شده خدا روی صفحه

کاغذ (پاپيروس، پوست حيوان و ...) از طريق عده ای انسان برگزیده (انبيا و رسولان) است. این روش بهترین روش موجود در جهان برای انتقال اطلاعات به نسل‌های بعدی است. به این روش خدا، در آشکار نمودن اراده و ویژگیهای خویش به انسانها، اصطلاحاً مکاشفه خاص خدا (special revelation) گفته می‌شود. اما همچنان که پادشاهان و حکمرانان در طول تاریخ برای تایید و تضمین اصالت پیغام‌های مکتوب خود از مهر و امضای ویژه استفاده کرده اند؛ خدا نیز برای تایید اصالت پیغامش و تایید کسانی که حامل این پیغام بوده اند؛ از مهر معجزات و پیشگویی‌های شگفت‌انگیز استفاده کرده است که هیچ احدی از انسانها در حیطه مادی و فرشتگان در حیطه غیر مادی قادر به انجام آنها نیستند.

اما معجزه چیست؟ معجزه عمل خاص و بسیار نادر خداوند است که در روند طبیعی امور این جهان وقفه ایجاد میکند. به عبارتی دیگر معجزه رویدادی بسیار نادر است که اگر طبیعت به حال خود رها می‌شد؛ هرگز آن رویداد به وقوع نمی‌پیوست.

چونکه خدا با ویژگی‌هایی که در بالا توصیف کردیم خالق جهان هستی است و همه چیز را از هیچ بوجود آورده است که این خود بزرگترین و نادرترین واقعه (معجزه) بشمار می‌رود؛ در این صورت وقوع معجزات و پیشگویی‌های شگفت‌آور از سوی خدا

کاملا امکان پذیر است. دقت کنید کتاب مقدس با این آیه شروع می شود:

۱ در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید.
کتاب پیدایش ۱: ۱

آیا خدایی که آسمانها و زمین را از «هیچ» آفریده است؛ قادر است دریای سرخ را بشکافد؟ و یا کور مادرزاد را شفا دهد؟ و یا مرده ای را زنده کند؟ و یا رخداد های آینده را به طرز شگفت انگیزی پیشگویی کند؟

طبعا جواب این سوالات مثبت است. اینکه رویدادی در طول تاریخ بسیار نادر و غیر قابل تکرار باشد؛ دال بر عدم وقوع آن نیست! مثلا مطابق تئوری بیگ بنگ جهان (ماده، زمان و فضا) در لحظه صفر از هیچ و در اثر انفجاری عظیم بوجود آمده است؛ آیا رویدادی نادرتر از این در جهان مادی که غیر قابل تکرار نیز باشد؛ وجود دارد؟! ولی همه دانشمندان جهان بر اساس شواهد قوی، آن را تایید می کنند.

توجه کنید در بحث های پیشین به چندین پیشگویی از کتاب مقدس اشاره کردیم و بر اساس شواهدی موثق، تحقق آنها را در طول تاریخ نشان دادیم.

همچنین باور کردنی بودن یا نبودن رویدادی با امکان وقوع آن رویداد دو موضوع کاملا متفاوت است. مثلا اینکه کسی در لاتاری چند صد میلیون دلاری در آمریکا برنده شود (که احتمال برنده

شدن آن یک به ۱۷۵ میلیون است) باور کردنش بسیار سخت است؛ ولی این امر گاهی اتفاق می افتد. این در حالی است که یکی از خصوصیات مهم معجزات خدا این است که عجیب و باور نکردنی هستند؛ زیرا اگر باور کردنی و عادی بودند دیگر معجزه محسوب نمی شدند.

اما سوال بسیار مهم این است که اصولاً معجزات خدا چه خصوصیتی باید داشته باشند؟ برای جواب دادن به این سوال باید ویژگیهای خدا را که در ابتدای این بحث ارائه شدند؛ مد نظر قرار داد:

- ۱- چونکه خدا قادر مطلق است؛ معجزاتش نیز باید بدون کوچکترین شک و تردید خارق العاده و از طریق قوانین طبیعی غیر قابل توضیح باشند. (مانند معجزات مسیح)
- ۲- چونکه خدا موجودی بی نهایت هوشمند و هدفمند است؛ معجزاتش نیز باید هدف و منظوری بسیار ویژه، معین و تاثیرگذار داشته باشند.
- ۳- چونکه خدا نیکی و راستی مطلق و استناد دارد نهایی ارزشهای اخلاقی است؛ معجزاتش نیز باید فقط و فقط برای ارتقا نیکویی، حقیقت و ارزشهای اخلاقی والا باشند. بنابراین هر گونه ادعایی مبنی بر وقوع معجزه ای که با حقیقت و ارزشهای اخلاقی مغایرت داشته باشد؛ بدون کوچکترین شبهه از سوی خدا نمی باشد.

سوال دیگری که معمولاً مطرح می شود این است که چرا معجزاتی که در کتاب مقدس به وقوع پیوسته اند؛ الان دیگر اتفاق نمی افتند؟ جواب این سوال هم بسیار واضح است. علت این امر این است که خدا پیغام و مکاشفه تازه ای برای ما انسانها، خارج از آنچه که در کتاب مقدس نوشته شده است؛ ندارد. دقت کنید حتی در کتاب مقدس وقوع معجزات بسیار نادر است و اکثر معجزات مربوط به دو دوران مشخص است: دوره ای که خدا ده فرمان را به موسی می دهد و شریعت وارد عرصه تاریخ بشر میشود(در عهد عتیق) و دوره ای که نجات دهنده در لباس انسانی ظاهر میگردد و فیض وارد عرصه تاریخ بشر میشود(در عهد جدید).

دقت کنید اکثراً خدا اراده اش را از طریق پدیده های طبیعی در طول تاریخ بشری به انجام می رساند. برای مثال خدا ممکن است به دعای کسی که در تنگنای مالی قرار دهد به این صورت جواب دهد که زنجیره ای از رویدادهای کاملاً طبیعی در نهایت منجر به پیشنهاد کاری بسیار خوب برای آن فرد شود و او را از وضعیت بد مالی نجات دهد. اما این اتفاق مطابق تعریفی که قبلاً ارائه دادیم ؛ معجزه محسوب نمی شود.

تاکید بر این موضوع بسیار حائز اهمیت است که سحر و جادو، تردستی و شعبده بازی(نه به منظور سرگرمی بلکه اغفال و گمراه کردن مردم) و معجزات بسیار محدود شیطان که اغلب در حیطة کنترل ذهنی و نمایشی برای ارتقا دروغ ، ناراستی و ضد

ارزشهای اخلاقی خدا و فریب انسانها است مطلقا قابل قیاس با معجزات خداوند در کتاب مقدس نیستند.

بنابراین چونکه خدا وجود دارد و وی خالق آسمان و زمین و جهان هستی است؛ آنگاه باید بپذیریم و انتظار داشته باشیم که چنین خدایی برای تایید اصالت پیغام خود به انسانها قادر به انجام معجزات خارق العاده و پیشگویی های شگفت آور مکتوب در کتاب مقدس باشد.